

## گفت‌وگو با دکتر محمدعلی بویوک‌کارا<sup>۱</sup>

ترجمه: وحید ستارزاده

دکتر محمدعلی بویوک‌کارا در ۱۹۶۷ در استانبول به دنیا آمد. تحصیلات راهنمایی و دبیرستان را در مدارس علوم دینی به پایان رساند و در ۱۹۹۰ از دانشکده الاهیات دانشگاه مرمره فارغ‌التحصیل شد. پس از آن به مدت دو سال در دبیرستان شاد اوغلوئی استانبول به تدریس اخلاق و فرهنگ اسلامی پرداخت. وی کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم حدیث از مرکز علوم اجتماعی دانشگاه مرمره (۱۹۹۳) اخذ کرد. در همان سال به عنوان مسئول پژوهش‌های تاریخ مذاهب اسلامی دانشگاه «۱۸ مارس» در چاناک‌قلعه منصوب شد. در ۱۹۹۴ برای ادامه تحصیل رهسپار انگلیس شد. سه سال بعد در دانشگاه ادینبورگ از رساله دکتری خود با عنوان «جنبش‌های شیعه امامی در زمان امام موسی کاظم و امام رضا» دفاع کرد. وی در ۲۰۰۶، موفق به اخذ درجه استادی از دانشگاه «۱۸ مارس» شد. از دکتر بویوک‌کارا مقالات متعددی چاپ شده است، از جمله: «جایگاه حضرت ابراهیم در روایات شیعه امامی»، «از کربلا تا انقلاب: درباره اندیشه شهادت و مسائل مربوط به آن نزد شیعه امامی»، «مأمون و ولایت عهدی امام رضا» (به انگلیسی)، «امامان فاطمی و اهل کتاب» (به انگلیسی) و «جریان‌های دینی و سیاسی رادیکال در ترکیه». از کتاب‌های وی نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. مسئله امامت و بنی‌هاشم، استانبول (۱۹۹۹)

۲. تاریخ اشغال کعبه از گذشته تا امروز، استانبول (۲۰۱۱)

۳. اهل بیت و اهل دولت: عباسیان و شیعه در زمان امام موسی کاظم و امام رضا، استانبول (۲۰۱۰)

دکتر بویوک‌کارا از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ عضو هیئت مدیره گروه مطالعات اسلامی دانشکده الاهیات دانشگاه «۱۸ مارس» چاناک‌قلعه بود. در حال حاضر، وی ریاست دانشکده علوم اسلامی دانشگاه «شهر» در استانبول را بر عهده دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به عنوان نخستین پرسش، امروزه کدام جریان‌های فکری، اعم از دینی و غیردینی، در ترکیه فعال هستند؟

به طور کلی، شاهد تأثیر جریان‌های فکری رایج دنیا در ترکیه هستیم؛ مخصوصاً جریان‌های فکری چپ‌گرایی که در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی در دنیا مطرح می‌شد در ترکیه نیز به اوج رسید که اثر آنها تا به امروز باقی است. لیبرالیسم تفکری دیگری است که روزه‌روز در حال گسترش است. همچنین وجود اندیشه‌های ملی‌گرایی را نباید نادیده گرفت، که هم در عرصه فکری و هم در سیاست نمایندگانی دارد. افزون بر این، می‌توان به تفکر دینی اشاره کرد که پیش‌تر در بطن حرکت‌های ملی‌گرایانه بود. اندیشه دینی در ترکیه بسیار قوی‌تر از سایر جریان‌ها است. شایان ذکر است که در حوزه تفکر دینی، یک جریان وجود ندارد. همچنین شاهد جریان‌هایی هستیم که حاصل ترکیب تفکر ملی‌گرایی و تفکر دینی هستند. برای مثال، می‌توان به تفکر ترکی - اسلامی و تفکر کردی - اسلامی اشاره کرد. علاوه بر این نگرش‌ها، باید از تفکر دینی لیبرال، تفکر اسلام سیاسی و تفکر دینی متأثر از تصوف نیز نام برد. در کنار این جریان‌ها، تفکری وجود دارد که سعی در فهم دین از منظر مدرنیته (جدید) دارد. اندیشه‌های دینی که تحت تأثیر افراد یا جماعت خاص به وجود آمده‌اند هم، وجود دارند. مثلاً می‌توان به جنبش دینی پرنفوذ «نوریه»<sup>۲</sup> اشاره کرد یا عقاید «فتح‌الله گولن»<sup>۳</sup> که در برخی محافل بسیار مقبول‌اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ از جریان‌هایی که ذکر شد، مثل لیبرال، یا جریان‌های دینی، کدام حزب یا گروه را می‌توانید نام ببرید؟

گروه‌های چپ‌گرای سیاسی در ترکیه هستند که عملکرد حزبی دارند. مثلاً حزب «کمال آتاتورک»<sup>۴</sup> که جمهوری ترکیه را بنیان نهاد و حزب جمهوری خلق<sup>۵</sup> ترکیه نیز نامیده می‌شود. با اینکه این حزب زیرمجموعه گروه‌های چپ قرار می‌گیرد، اما بسیاری از کارشناسان این نظر را رد کرده، معتقدند هدف این حزب ادامه راه آتاتورک است. زیرا نه تنها آزادی‌ها را بسط نمی‌دهد و دیدگاه محدودکننده‌ای دارد، بلکه دیدگاه ملی‌گرایانه ترکی دارد. چپ‌ها نیز این موضوع را تأیید می‌کنند. بنابراین، صفت لاییک مناسب‌تر از عنوان چپ‌گرا برای نامیدن این حزب است. در نتیجه حزب خلق ترکیه

نمایانگر لایسم نوع فرانسوی یا لایسم نوع کمالی است. با اینکه احزاب چپ‌گرای دیگری در ترکیه وجود دارند که مستقل از حزب خلق هستند ولی در مقایسه با احزاب چپ دنیا قدرتمند نیستند. حزب دیگری که می‌توان بین احزاب چپ‌گرا از آن نام برد، حزب ملی‌گرایان کُرد است. این حزب با «پ.پ.ک» هم‌پوشانی دارد. در این میان توجه ویژه به نگرش منحصر به فرد حزب ملی‌گرایان کُرد نیز ضروری است.

### نحوه عملکرد اسلام سیاسی چگونه است؟

اسلام سیاسی در ترکیه با جنبش «دیدگاه دینی»<sup>۶</sup> «نجم‌الدین اربکان»<sup>۷</sup> شناخته شد. مستقل از این جنبش هم تفکر اسلام سیاسی وجود دارد؛ مانند حرکات کم‌نفوذی که از ایران یا کشورهای عربی تأثیر پذیرفته‌اند. اما همان‌گونه که اشاره شد، این حرکات از منظر اسلام سیاسی در حاشیه جنبش «دیدگاه دینی» اربکان قرار دارند، زیرا کم‌نفوذ هستند.

### در خصوص اسلام مدرن هم توضیح می‌دهید؟

اسلام مدرن بیشتر جنبه دانشگاهی دارد و بین مردم عادی مطرح نیست. ولی در سطح دانشگاهی، افراد زیادی، نماینده آن هستند. در ترکیه این اندیشه در دو دانشگاه مرمه استانبول و دانشگاه آنکارا مطرح است که دومی دیدگاه مدرن‌تری (جدید) در باب اسلام دارد ولی فراتر از آن، جریان اسلام مدرن چندان قوی نیست.

### نمونه بارز متفکران این جریان چه کسانی هستند؟

«خیری قیرباش اوغلو»<sup>۸</sup> را می‌توان نماینده این جریان نامید که حرکت منسوب به او در طول زمان به عنوان اسلام چپ شناخته می‌شود. وی تحت تأثیر «حسن حنفی»<sup>۹</sup> و «محمد عابد العجبری»<sup>۱۰</sup> است ولی مدرنیسم او لیبرال نیست. علاوه بر این، وی از قشر فقیر نیز حمایت می‌کند. اما سیاست‌های «حزب عدالت و توسعه» منتقد آن است.

### چرا «حزب عدالت و توسعه» از این جریان انتقاد می‌کند؟

تفکر «حزب عدالت و توسعه» لیبرال است. از طرف دیگر رابطه خوبی با غرب

دارد. به همین جهت، از نظر جریان مذکور، سیاست «حزب عدالت و توسعه» عادلانه نیست.

### جریان‌های فکری اسلامی پرقدرت در ترکیه کدام‌اند؟

گفتن اینکه کدام جریان پرقدرت‌تر است، کمی شخصی به نظر می‌رسد؛ یعنی معیار مشخص و معلومی برای این کار وجود ندارد. اما می‌توان به چند گروه پرقدرت اشاره کرد. طریقت‌های صوفیه که عرضه‌کننده سنت «نقشبندی- خالیدی» هستند، در ترکیه پرقدرت‌اند. حرکت منسوب به «سعید نورسی» که گروه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد هم، قوی است. منظور از پرقدرت بودن این حرکت، شامل افراد منسوب به آن و توده‌ای می‌شود که از طریق رسانه «جماعت نور» مورد خطاب است. رسانه «جماعت نور» وسایل ارتباط جمعی، مانند تلویزیون، مدرسه‌هایی که افتتاح کرده‌اند و فعالیت‌های اقتصادی است که اگر این موارد را به عنوان معیار در نظر بگیریم جماعت بزرگی در ترکیه را شامل می‌شود. از دیگر جنبش‌های قوی در ترکیه حرکت «سلمانیه» است. چون عشیره‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد. در اصل «نوریه» و «سلمانیه»، ریشه در سنت «نقشبندی- خالیدی» دارند. از طرفی بنیان‌گذار جنبش سلمانیه «حلمی افندی» یک شیخ نقشبندی بوده است و در عین حال پایه‌گذار حرکت «نوریه»، یعنی «بدیع‌الزمان سعید نورسی»، نیز در مدرسه نقشبندی پرورش یافته است. هرچند «سعید نورسی» گفته بود «زمان، زمان تصوف نیست، زمان نجات ایمان است» اما باز هم ریشه «نقشبندی» دارد. می‌توان گفت جریان‌های طریقتی، بیشتر نوریه و سلمانیه هستند.

### رابطه سنت و مدرنیته در ترکیه چگونه است؟

می‌توان گفت در ترکیه نیز مثل ایران، زمانی که اندیشه‌های جدید (مدرن) از غرب وارد شد، نظر گروه سنتی مبنی بر تعطیلی اندیشه‌های وارد شده بود. این دسته می‌گفتند ما نظام سنتی خودمان را ادامه می‌دهیم، روش سنتی طریقت و خانقاه‌ها را، هر قدر هم که مورد انتقاد باشد، ادامه خواهیم داد. اما دسته دیگر کاملاً منفعل شده، خود را شیفته جریان غربی کردند. این دسته حتی بدون توجه به سنت اسلامی آن را محکوم کرده، در عرصه نقدش حضور داشتند. اما کدام سنت‌ها، مورد نقد آنها بود؟ مذاهبی که خاستگاه

آنها، سنت مدرسه‌ای بوده، و طریقتی که منشأ آن سنتِ تصوف است. تفسیر و حدیثی که سنت‌های مذکور را پرورش می‌دهد نیز، نقادی شدند. فقط قرآن باقی می‌ماند، که گروه متجدد معتقدند ما الهام خود را از قرآن می‌گیریم.

گروه دیگری هم وجود دارد که میانه‌رو است و برای سازش سنت و مدرنیته تلاش می‌کند. این گروه معتقد است شرایط تغییر کرده و ما در شرایط جدیدی زندگی می‌کنیم. اگر دست به اصلاح نزنیم به زباله‌دان تاریخ خواهیم پیوست. باید در سنت بازنگری کنیم؛ یعنی صحیح را از ناصحیح جدا کرده، عناصر مریض را تمییز داده، عناصر سالم و درست را حفظ و با شرایط روز هماهنگ کنیم. آنها می‌گویند باید مسیر حرکت مسلمانان باز باشد. مسلمانان باید راحت فعالیت کرده، مشکلات تحمیل‌شده مدرنیته را با راه‌حل‌های اسلامی حل و فصل کنند. برای انجام این کار باید برخی از عناصر سنت را به زمان حال انتقال داده، با مدرنیته سازگار کنیم.

**سنت** در ترکیه، بین این سه گروه (سنتی، متجدد، اصلاح‌طلبان میانه‌رو) به صورت واضح از

کدام یک به عنوان رفورمیست نام برده می‌شود؟

ما در ترکیه علاقه‌مند به استفاده از کلمه «رفورم» نیستیم. این کلمه مورد پسند ما نیست، زیرا وجود رفورم با دگرگونی است و مسلمانان ترکیه از به کار بردن این کلمه پرهیز می‌کنند. بنابراین، در ترکیه لغت «اصلاح» یا «تجدد» خوشایندتر است. بین جریان‌های اصلاح‌طلب و متجدد، گروه میانه‌رو منظور ماست که در ترکیه به صورت کلی بیشتر جریان‌های فکری در این محدوده قرار دارند.

**سنت** جریان میانه‌رو به کدام حرکت‌های خارج از ترکیه نزدیک است؟ به غرب، عرب، یا

ایران؟

گفتن این مطلب ضروری است که جریان میانه‌رو، ریشه در سنت بومی ما دارد که به «عثمانی» ختم می‌شود. چنان‌که می‌دانید یک سنت اصلاح در عثمانی وجود داشت که از اواخر دوره عثمانی شروع و به جمهوریت منتقل شد. این سنت در درون خود، «سعید نورسی»، «سلمانیه»، «اسلام سیاسی»، «نجیب فاضل کیسا کورک»<sup>۱۱</sup> را به ظهور

رسانده است. اما وجود این سنت به معنای این نیست که ما از بیرون تأثیر نمی‌پذیریم. طبیعی است که ما از عرب، غرب، مسلمانان متجدد و ایران متأثر می‌شویم. چون، کتاب‌های اخوان المسلمین از دنیای عرب و کتاب‌های جماعت اسلامی پاکستان از دنیای سنی، و نیز کتاب‌های متفکران مکتبی ایران بعد از انقلاب، مثل شریعتی، سروش، و سید حسین نصر ترجمه شد. یعنی کتاب‌های تمام متفکران بدون کم و کاست، هر جا بود، ترجمه شد. اما تأثیر جریان خارجی محدود است.

### مؤثرترین جریان خارجی کدام جریان است؟

می‌توان گفت تأثیر آنها هم‌زمان بوده است. یعنی گفتن اینکه تأثیر عرب بیش از ایران یا ایران بیش از عرب بوده مشکل است؛ چراکه این اثر هم‌زمان و تقریباً به یک اندازه است. شایان ذکر است که تأثیر جریان خارجی از صافی سنت گذشت. همان‌طور که اشاره شد یک سنت اصلاحی در ترکیه وجود دارد. در ترکیه، تصوف تحت کنترل فقه است؛ یعنی مدرسه و طریقت به شدت متأثر از یکدیگرند. می‌توان گفت هشتاد درصد تصوف در ترکیه شامل این حکم می‌شود. به تعبیری تصوف باطنی در ترکیه خیلی ضعیف است. بنابراین، تأثیراتی که از راه ترجمه، از دنیای عرب، ایران و غرب وارد ترکیه می‌شود، از صافی سنت عبور داده می‌شود. بخشی که سیاسی و راه‌گشاست اخذ می‌شود و بخش مذهبی به کناری نهاده می‌شود. اگر این‌گونه نمی‌بود، آمار سلفیه و شیعه در سطح بالایی قرار داشت. چون نهضت ترجمه در ترکیه بسیار قوی و فعال است. سلفی‌گری و هواداری شیعه در ترکیه بسیار ضعیف است، ولی تفکرات سیاسی و غیرسیاسی که از ایران آمده، تفکر دینی در ترکیه را غنی‌تر کرده است.

از اصلاح‌طلبان دوره جمهوریت نمونه‌هایی را ذکر کردید، مثل سعید نورسی. از

### اصلاح‌طلبان زمان عثمانی نیز می‌توانید نمونه‌هایی را نام ببرید؟

طبیعی است که نسلی که سعید نورسی در آن پرورش یافته شامل دوره عثمانی نیز می‌شود. البته در عثمانی، اثرات اصلاح خارجی هم هست. برای مثال، می‌توان به «سید جمال‌الدین اسدآبادی» اشاره کرد. او دو بار به استانبول آمد و با سلطان عبدالحمید گفت‌وگو کرد. «رشید رضا» چندین بار به استانبول سفر کرد، یعنی از دنیای عرب هم،

گفت‌وگو با دکتر محمدعلی بویوک‌کارا / ۱۳

اثر اصلاح وجود دارد. اما سنت اصلاحی که بومی است نیز وجود دارد. برای مثال، می‌توان به «شیخ‌الاسلام مصطفی صبری»،<sup>۱۲</sup> «شیخ‌الاسلام موسی کاظم»<sup>۱۳</sup> و «سعید نوری» اشاره کرد. کسی که سرود ملی ترکیه را نوشت «محمد عاکف»<sup>۱۴</sup> و همچنین «عاطف افندی»<sup>۱۵</sup> که بعد از جمهوریت اعدام شد، جزء این گروه هستند. به «حلمی شهین‌رزاده فیلیپه‌ای»<sup>۱۶</sup> و «فرید کام»<sup>۱۷</sup> هم می‌توان اشاره کرد.

**این اسامی که در بالا ذکر شد بین مردم عادی هم شناخته شده هستند یا فقط در محافل دانشگاهی از آنها نام برده می‌شود؟**

طبیعی است که اسامی آنها در محافل دانشگاهی مطرح است. اما اینکه بعد از جمهوریت اسم آنها در حرکات دینی ذکر شده یا نه، مشخص نیست. پس از جمهوریت، عده زیادی از این مصلحان به خاطر کهولت سن وفات کرده یا مجبور به ترک وطن شدند. برخی هم خانه‌نشین شدند. اینها مسائلی بود که جمهوریت با خود آورد. «سعید نوری» و «سلیمان حلمی»<sup>۱۸</sup> با تشکیل جماعت‌های اسلامی، شناخته می‌شوند. در ترکیه کتاب‌های افراد دیگر تقریباً به صورت نخوانده باقی مانده است. اما ترکیه جدیداً شروع به بازخوانی گذشته خود کرده است.

**یعنی پیام آنها در زمان خودشان فراگیر نشده است؟**

این افراد، انسان‌های روشنفکری بودند. طبیعی است که به خاطر پایین بودن سطح خواندن و نوشتن جامعه، نمی‌توانستند توده مردم را مخاطب خود قرار دهند. این افراد در مقالات، کتاب‌هایی که نوشته‌اند، و نیز در مقام استاد مدرسی، یا مقام مشاور پادشاه، ارتباطشان با مردم خیلی محدود بود.

**آیا در ترکیه جریان فکری‌ای که سیاسی نباشد و در جهت سازش سنت و مدرنیته باشد، وجود داشته است؟**

می‌توان گفت حرکت جماعت نور چنین حرکتی است. این جریان پس از «سعید نوری» به دلیل اختلاف‌های داخلی به شاخه‌های مختلفی تقسیم شد. اما امروزه حرکت نوریه را در حیطه سازش سنت و مدرنیته می‌بینیم. در حال حاضر بزرگ‌ترین

جنبش نوریه، که در سطح جهانی شناخته شده است، حرکت «فتح‌الله گوکن» است. می‌توان از حرکت «فتح‌الله گوکن» به عنوان نمونه‌ای نام برد که نقطه اتصال سنت و مدرنیته است. در حقیقت، اسلام سیاسی را، که با جنبش «آربکان» شروع شد، در تلاش برای سازش سنت و مدرنیته می‌بینیم. در اصل «آربکان» یک مرید طریقت است. اما وی تحصیل کرده آلمان است و غرب را خوب می‌شناسد. از نظر او، صاحب اصلی پیشرفت موجود در غرب مسلمانان هستند. این سطح از پیشرفت، از اسلام به غرب منتقل شد. اما چرا ما عقب مانده‌ایم؟ مسلمانان باید دوباره به دوران تمدن باز گردند. در نتیجه به غیر از حرکت (جماعت نور)، حرکت اسلام سیاسی آربکان را نیز می‌توان نمونه خوبی از یک جنبش اصلاحی دانست.

بخش «آیا حرکت «فتح‌الله گوکن»، جنبشی که بیشتر متمایل به مدرنیته باشد، نیست؟

بله، همین‌طور است. اما در رأس این حرکت «فتح‌الله گوکن» قرار دارد. او روی زمین می‌نشیند و کتاب‌های حنفی خود را باز می‌کند و در آمریکا برای طلبه‌هایش به این صورت تدریس می‌کند. درست، به صورت قدیمی، مثلاً اینکه صبح باید چه تفسیر حنفی را خواند یا بعد از ظهر چه چیزی خوانده شود. او می‌کوشد مرزی برای حرکت به سوی مدرنیته ترسیم کند. چون مردم حرکت تند و سریع به سوی مدرنیته را نمی‌خواهند. مثلاً در مورد حجاب، عبادت‌ها، دقت به خرج می‌دهند، اما معتقدند برای حرکت به جلو نیز به بعضی اصلاحات نیازمندیم. این به منزله دیدگاه مدرن آنهاست.

بخش «نظر تان را در خصوص وضعیت معنوی و علمی استاد «فتح‌الله گوکن» می‌فرمایید؟

درباره زندگی استاد کتاب‌های زیادی به زبان عربی، ترکی و هم به زبان‌های رایج دیگر نوشته شده است. اگر به این کتاب‌ها نگاه کنیم، خواهیم دید استاد خوب آموزش دیده، هم علوم دینی و هم علوم مدرسه را تحصیل کرده است. محل تحصیل استاد «ارزروم» است. اگر به خطابه‌ها و کتاب‌های او توجه کنیم، واقعاً تسلط وی بر علوم دینی را درک خواهیم کرد. در حیات معنوی نیز استاد «فتح‌الله گوکن» طوری بودند که دیگران به او غبطه می‌خوردند. این مطلب را از افرادی که کنار او بوده‌اند، می‌توان



فهمید. چون ما به او نزدیک نیستیم، نمی‌توانیم خصوصیات او را مشاهده کنیم، اما سرشت او، خیلی عاطفی و لطیف است.

### سلفی نفوذ گروه‌های سلفی در ترکیه بین مردم چقدر است؟

سلفیه در ترکیه بسیار ضعیف است، به حدی که ارزش ندارد درباره آن صحبت کنیم. دلیل اصلی ضعیف بودن سلفی‌گری در ترکیه وجود مدارس سنی حنفی و شافعی است. این مدارس حساسیت زیادی به مسائل دینی دارند. سلفی‌گری از راه ترجمه، طلاب یا دانشجویانی که به ترکیه رفت و آمد می‌کنند، مخصوصاً کسانی که برای تحصیل به عربستان سعودی یا کشورهای عربی سفر می‌کنند، وارد ترکیه می‌شود. اما سلفی‌گری در ترکیه موفق نبوده است. نباید تصور کرد اصلاً سلفی‌گری در ترکیه وجود ندارد، بلکه در سطح کتاب‌فروشی‌ها موجود است. یعنی کتاب‌های سلفی، چاپ می‌شود گاهی هم سو با سلفیه عربستان سعودی و گاهی به صورت سلفی‌گری مستقل از آن. گفتنی است بعضی انتشارات با تفکر سلفی نیز وجود دارند.

### سلفی نظر شما درباره جریان‌هایی که هدف آنها وحدت مذاهب مختلف اسلامی است و نیز

#### جریان‌های ضد آن چیست؟

در ترکیه تلاش برای تقریب مذاهب مثل ایران، پروتق نیست. در حقیقت حرکت تقریب از زمان عثمانی در ترکیه آغاز شد. جمال‌الدین اسدآبادی بنیان‌گذار آن بود. برای مثال، مکاتباتی که بین علمای ایران و استانبول در جریان بود، چنین سنتی وجود داشت اما در حال حاضر تلاشی به عنوان یک حرکت تقریبی، وجود ندارد. گروه‌های سنتی، مخصوصاً اهل مدرسه و طریقت، از تقریب استقبال گرمی نمی‌کنند. اما این نگاه آنها به معنای کافر شمردن دیگر مذاهب نیست. چون مذهب حنفی در ترکیه قوی است و دیگر بین جریان‌هایی که ضدشعبه یا سایر مذاهب اسلامی هستند، تکفیر رایج نیست. از طرف دیگر، در ترکیه اندیشه غزالی در بسیاری از مدارس رایج است، از این‌رو، این تفکر که اهل کتاب تکفیر نمی‌شوند، وجود دارد. اما به صورت کلی از تقریب خیلی استقبال نمی‌شود؛ به این معنا که هر کس در مذهب خود باقی بماند، ولی تکفیر هم نکند. اما از دیدگاه سیاسی تقریب سودمند پنداشته می‌شود. در حقیقت کسانی که در

چارچوب اسلام سیاسی می‌اندیشند آن را سودمند می‌دانند، ولی تقریب را نه به معنای یکی کردن مذاهب، بلکه به معنای کم کردن فاصله بین آنها می‌پذیرند. تفکر اسلام سیاسی، تقریب را وسیله‌ای می‌داند که می‌تواند بسیاری از مشکلات پیش روی مسلمانان را حل کند.

آئینہ به نظر شما راه‌کارهایی که می‌تواند به مستحکم شدن تقریب در ترکیه کمک کند چیست؟

من مقاله‌ای<sup>۱۹</sup> در این باب نوشته‌ام که به فارسی نیز ترجمه شده؛ در آن پنج راه‌کار را برای تقریب ذکر کرده‌ام که بدون وجود اولی و دومی، چهارمی و پنجمی ممکن نخواهد بود. می‌توانید به آن مقاله رجوع کنید.

آئینہ رابطه تصوف و سلفی‌گری در ترکیه چگونه است؟

همان‌طور که اشاره شد، دلیل نفوذ نکردن سلفی‌گری در ترکیه، وجود مدرسه و طریقت است.

آئینہ دیدگاه «آیدین کسمه» چگونه است؟

تصوفی که امروزه در ترکیه دیده می‌شود، تصوفی است که «آیدین کسمه» پرورش داده است. از این مکتب افرادی مثل «اربکان» و شاعری مثل «نجیب فاضل» ظهور کرده‌اند. نجیب فاضل یک زندگی غیراسلامی هم داشته است که پس از آشنایی با شیخ‌اش به یک مبارز بزرگ و فاضلی که ما می‌شناسیم تبدیل شد. یعنی او فقط شاعر نیست. وی به دلیل آثار منتشرشده‌اش بخشی از عمر خود را در زندان گذرانده است. بنابراین، در ترکیه، تصوف ضدیتی با مدل «آیدین کسمه» ندارد. در ترکیه، تصوف با اصلاحات هم‌خوانی دارد، اما از اصلاحات به سوی مدرنیسم هم جلوگیری می‌کند. یعنی اصلاحات را در کنترل خود دارد.

آئینہ در ترکیه، نقش تصوف در زندگی چگونه است؟

این رسم به دلیل اینکه از عثمانی به ما رسیده، متعلق به ماست. اما همان‌طور که

اشاره شد، تصوف در ترکیه تحت کنترل فقه حنفی و شافعی است و تصوف باطنی وجود ندارد. در محیط‌های دیندار تصوف فقهی بسیار شایع است. تصوف فقهی، هم در حیات سیاسی حضور دارد و هم در بهتر شدن وضع اقتصادی دینداران مؤثر است. همچنین امکانات تحصیل در مدارج عالی را برای دانشجویان دیندار، فراهم می‌کند. یعنی از هر جهت در زندگی تأثیر دارد.

### آینده این تأثیرگذاری را چگونه می‌بینید؟

آینده آن نیز همین‌طور ادامه خواهد داشت. در بیست سال اخیر شاهد پیشرفت‌هایی در قشر دینی، افزایش تعداد دینداران و مهاجرت روستاییان به شهرها، ثروتمند شدن در شهرها و در نهایت دست یافتن به قدرت که باعث فساد می‌شود، هستیم. در محیط‌های دینی هم نوعی واپس‌گرایی می‌بینیم. اینجاست که باید تصوف حضور یابد تا از فساد و واپس‌گرایی، که پول و سیاست به ارمغان آورده است، جلوگیری کند. اما من تا به حال چنین موفقیتی در آن نمی‌بینم. یعنی طریقت، دنیایی نیست بلکه باید آخرت را به انسان متذکر شود؛ چون سبب وجودی تصوف همین است. از این پس تصوف باید چنین نقشی بر عهده بگیرد. تصوف تا به امروز به تقویت قشر دیندار می‌پرداخت، اما از این به بعد باید از واپس‌گرایی دینداران که در حال قوی شدن هستند، جلوگیری کند. یعنی اگر تصوف، خود را با زمان تطبیق ندهد ضعیف خواهد شد، ولی اگر چنین کند قوی‌تر می‌شود و این به قدرت محیط‌های تصوف بستگی دارد. در حال حاضر، به دلیل تأثیر ثروت و قدرت، شاهد نوعی واپس‌گرایی هستیم، اما من اکنون این قدرت را در تصوف نمی‌بینم که جلوی آن را بگیرد. زیرا خود تصوف هم در این مسیر حرکت می‌کند. یعنی در جریان مادی شدن است. در این صورت تصوف از مسیر اصلی منحرف می‌شود که باید این کوتاهی را برطرف کنیم.

### به نظر شما آیا در دنیای اسلام، تصوف با مدرنیته سازش‌پذیر است؟ بین کشورهای

اسلامی، کدام یک پیش‌روتر است؟

سوریه و مصر به ترکیه شباهت دارند؛ مخصوصاً سوریه که در آنجا هم، تصوف تحت کنترل فقه است. در سوریه شاهد هستیم که حرکت سنی به عنوان یک قدرت،

تشیع و سلفیه را ضعیف کرده است؛ مصر هم، این طور است. از نظر قدرتِ تصوفِ نقش‌بندیه، کردها و عرب‌ها به طریقت‌های ترکیه شبیه‌اند. اما مصر تا حدودی نسبت به ما، تصوف متفاوت و بیگانه‌تری دارد. گفتنی است، مصر در دنیای اسلام، مرکز اصلاحات بوده، تصوف موجود در آنجا خود را با اصلاحات منطبق کرده است.

بعد از جنبش اسلامی که در مصر شروع شد، شیخ الازهر (طنطاوی)، نظرش را در باب لاییک بودن دولت، ابراز کرد. با وجود گروه‌های اسلامی پرقدرتی که در مصر هستند، این درخواست شیخ الازهر عجیب به نظر می‌رسد، نظر شما چیست؟

نخست‌وزیر ترکیه هم در مصر چنین مطلبی را بیان کرد. ده درصد مردم مصر قبطی هستند. این درخواست به معنای بی‌طرفی دولت در برابر ادیان و مذاهب است. اما بعد، اردوغان، این حرفش را غفلت خواند و بدین صورت سخن خود را اصلاح کرد.

آیا به نظر شما معنای لاییک بودن این است؟

دو نوع لایسیسم در دنیا وجود دارد. نوع فرانسوی و نوع انگلوساکسون. در لایسیسم فرانسوی دین و سیاست به کلی از هم جدا هستند. لایسیسمی که مصطفی آتاتورک در ترکیه به اجرا گذاشت، از نوع فرانسوی بود. در حال حاضر ترکیه درگیر این مسئله است. چون زیر فشار لایسیسم فرانسوی است. امروزه ترکیه به لایسیسم انگلوساکسون گرایش دارد. یعنی دولت در برابر ادیان و مذاهب بی‌طرف بوده، نسبت به آنها تفاوتی قائل نمی‌شود. اما لایسیسم انگلوساکسون از لحاظ قانونی بازتر است. مثلاً، مسلمانان می‌توانند نکاح خود را در کنار عالم مذهبی خود انجام دهند یا اگر مشکلی برای سایر جمعیت‌ها ایجاد نکنند، می‌توانند در درون (دین) خود محکمه برگزار کنند. ترکیه نیز به دنبال چنین لایسیسمی است. منظور «اردوغان» در مصر، همین لایسیسم بود. من نمی‌دانم قصد شیخ الازهر چه بود، اگر منظور او چنین لایسیسمی بوده، من برداشت دیگری ندارم.

جریان علوی‌گری بین جریان‌های دینی قرار می‌گیرد یا غیردینی؟ شمار آنها چقدر است؟

علویان معتقدند بیست میلیون از جمعیت هفتاد میلیونی ترکیه را تشکیل می‌دهند. اما بر اساس آمار این رقم چیزی بین هشت تا ده میلیون نفر است. جریان دینی که نسبت

به اهل سنت در اقلیت است اما خود، شامل جمعیت بزرگی می‌شود. این جریان دینی، در درگیری‌های بین صفویان و عثمانی‌ها، به دلیل تبلیغ صفویان، به صفویه گرایش پیدا کرد. از طرف دیگر، از عثمانی‌ها ضربه خورده است. بنابراین، علویه، هم در مواجهه با اهل سنت و هم دولت اسلامی، حساسیت دارد. علویه در دوره جمهوریت، یعنی تا فروپاشی عثمانی و زمانی که گروه‌های سنی تضعیف می‌شدند، با خوشحالی از این مسائل استقبال کرد و به طرفداری از آن پرداخت. اینکه علویه چپی است یا نه مسئله دیگری است. اما از آن زمان تا به امروز با نفوذ در حزب خلق ترکیه، به فعالیت سیاسی پرداخته و به آن کمک کرده است. گفتنی است جمعیت بزرگ علویان تا به امروز خود را مسلمان می‌خوانند، یعنی هرگز مسلمان نبودن خود را نمی‌پذیرند.

### ﴿﴾ آیا شما این نظر را تأیید می‌کنید؟

طبیعی است بله. وقتی آنها خود را مسلمان معرفی می‌کنند، این‌گونه است. آنان خود را مسلمان می‌دانند اما می‌گویند مسلمانی ما با شما متفاوت است. مثلاً آنها می‌گویند ما نماز نداریم اما قرآن و پیغمبر مشترک داریم و نسبت به حضرت علی (ع) بیشتر محبت می‌ورزیم. برداشت ما متفاوت است، ما را این‌گونه بپذیرید. اما گروه کوچک دیگری از علویان وجود دارد که گرایش به چپ در آن بیشتر است. این گروه می‌تواند پتانسیل گرایش به تروریسم را داشته باشد. جریان مزبور به نسبت، بین کردها طرفداران بیشتری می‌تواند کسب کند. به نظر این دسته، علوی‌گری جدای از اسلام است. یعنی علوی‌گری بدون حضرت علی (ع). از نگاه این گروه، علوی از ریشه «آلو» به معنای آتش است که ریشه در دین زرتشتی دارد. اروپا، مخصوصاً آلمان از آنان حمایت می‌کند که حمایت آنها با تأکید بر مسلمان نبودن این گروه است. شمار این گروه از علویان کم است، اما سر و صدای آنان زیاد شنیده می‌شود و گروهک‌های آنها خیلی به چشم می‌آید. خصوصاً این جریان با قدرت خود، روی توده‌ای که با این جریان آشنایی ندارد تأثیر می‌گذارد. یعنی افراد منسوب به آن کم، ولی اثرش زیاد است. گروه دیگری از علویان هم هستند که بخش کوچکی را شامل می‌شوند. آنها نگاه شرعی و فقهی متأثر از شیعیان اثناعشری و سنی دارند؛ نماز می‌خوانند؛ به حج و نماز جمعه می‌روند. اما جریان اصلی خود را مسلمان می‌شمارد ولی می‌گوید مسلمانی ما با شما تفاوت دارد.

در دوره جمهوریت، علویان، حتی با فرض اینکه یک حزب سیاسی باشند، در سیاست خارجی دخالت نکردند تا امروز که شاهد اتفاقات سوریه هستیم. آیا به نظر شما علویان به فکر حضور در صحنه سیاسی افتاده‌اند؟

علویان همیشه خواستار حضور در صحنه سیاسی بوده‌اند. در حزب جمهوری خلق ترکیه نیز، به صورت مستمر، هیئت اداره‌کننده، علوی بوده، و بعضاً احزاب مستقل خود را تشکیل داده‌اند که موفق نبوده‌اند. برای مثال، در حال حاضر دبیر کل حزب خلق، «کمال کیلیچدار اوغلو»، علوی است.

در اتفاقات سوریه شاهد تفکری از سوی علویان هستیم که در تفسیر وقایع حاضر به سازش با قدرت حاکم ترکیه نیستند. دلیل آن چیست؟

علوی‌گری سوریه با علوی‌گری موجود در آناتولی ترکیه متفاوت است. علوی‌گری ترکیه ریشه در دین باستانی ترکان پیش از اسلام دارد که بعد از آمدن به آناتولی از شیعیان اثناعشری تأثیر پذیرفته است. اما علویان سوریه، ریشه در غلات کوفه دارند و عرب‌اند. یعنی ترک و کرد نیستند.

آخرین پرسش: اگر به رسانه‌های ترکیه توجه کنیم، شاهد حضور مفسران با گرایش علوی، که ضد قدرت حاکم هستند، خواهیم بود. به نظر می‌رسد علویان وارد صحنه سیاست خارجی شده‌اند. نظر شما چیست؟

می‌توان گفت سوریه وسیله این کار شد. علویان در صحنه سیاسی درگیر مسائل خود بودند چون مشکلاتی داشتند، در نتیجه وقت و انرژی لازم برای ورود به صحنه سیاست خارجی را نداشتند. اما اکنون مشکلات علویان در حال حل شدن است. شاید علویان به همین دلیل خود را بیشتر آزاد دیده، درباره مسائل سوریه نظر می‌دهند. اما این حرکت، یا به دلیل نزدیکی مذهبی یا سیاسی به حکومت سوریه است، یا به دلیل مخالفت با حزب حاکم؛ من نمی‌توانم مشخص کنم.

از بردباری و حوصله شما در پاسخ‌گویی به پرسش‌ها سپاس گزارم.

### پی‌نوشت‌ها

۱. این گفت‌وگو در تاریخ آبان ۱۳۹۰ انجام شده است.
۲. جماعت دینی در ترکیه که بدیع‌الزمان سعید نوری (۱۸۷۳-۱۹۶۰)، صوفی و عالم کردتبار آن را پایه‌گذاری کرد.
۳. فتح‌الله گولن (۱۹۴۱-۱۹۹۹)، واعظ و نویسنده الاهیات اهل ترکیه که در درجه اول متأثر از سعید نوری بوده است. نوری در پی آن بود که با فعالیت‌های آموزشی نسلی ایجاد کند که هم در اسلام ریشه داشته باشد و هم در دنیای مدرن و علمی مشارکت کند. گولن نیز در این جهت با نوری هم‌سو است.
۴. مصطفی کمال آتاتورک (۱۸۸۱-۱۹۳۸)، بنیان‌گذار جمهوری نوین ترکیه.
5. Cumhuriyet Halk Partisi.
۶. نجم‌الدین اربکان (۱۹۲۶-۲۰۱۱) سیاست‌مدار ترک، این جنبش را در ۱۹۶۹ پایه‌گذاری کرد.
7. Necmettin Erbakan.
۸. خیری قیرباش اوغلو، استاد دانشگاه آنکارا؛ در سال‌های اخیر به دلیل موضع‌گیری‌های ضدامپریالیستی‌اش مورد توجه بوده است.
۹. حسن حنفی (۱۹۳۵-۱۹۹۹)، متفکر و روشنفکر مصری که تحصیل‌کرده دانشگاه سوربن است و کتاب‌های او به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده است.
۱۰. محمد عابد الجابری (۱۹۳۶-۲۰۱۰)، استاد فلسفه و اندیشه عربی-اسلامی دانشکده ادبیات در رباط که از روشنفکران معاصر جهان عرب بود.
۱۱. نجیب فاضل کیساکورک (۱۹۰۴-۱۹۸۳)، شاعر و فیلسوف برجسته ترکیه. در رشته فلسفه از دانشگاه سوربن فارغ‌التحصیل شد. وی مدتی در دانشگاه آنکارا به تدریس زبان، تاریخ و جغرافیا پرداخت. کیساکورک از تأثیرگذارترین متفکران در حوزه زبان، ادبیات و تئاتر در ترکیه است.
۱۲. شیخ‌الاسلام مصطفی صبری (۱۸۶۹-۱۹۵۴)، عالم مسلمان اهل ترکیه. ابتدا طرفدار حزب اتحاد و ترقی بود اما بعدها به فرقه حریت و ائتلاف پیوست.
۱۳. شیخ‌الاسلام موسی کاظم (۱۸۵۸-۱۹۲۰)، از متفکران اواخر دوره عثمانی که گرایش‌های نقش‌بندی نیز داشت.
۱۴. محمد عاکف (۱۸۷۳-۱۹۳۶)، شاعر، نویسنده و نماینده پارلمان ترکیه که سرود ملی ترکیه را نوشت.
۱۵. عاطف افندی (۱۸۷۵-۱۹۲۶)، از عالمان اسلامی ترکیه که در ۱۹۲۶ در آنکارا اعدام شد.
۱۶. حلمی شهبندرزاده فیلیبه‌ای (۱۸۶۵-۱۹۱۴)، صوفی و متفکر اهل ترکیه که مسئول هفته‌نامه‌های *اتحاد الاسلام* و *حکمت* بود. وی همچنین بنیان‌گذار جماعت اتحاد و ترقی و از مخالفان فراماسونری و صیهونیزم در ترکیه بود. شهبندرزاده در ۱۹۱۴ به طرز مشکوکی کشته شد.

۱۷. فریدکام (۱۸۶۴-۱۹۴۴)، ادیب، شاعر، نویسنده و متفکر ترک. وی به زبان‌های عربی، فرانسه و فارسی مسلط بود و اشعاری به عربی، ترکی و فارسی سروده است.
۱۸. سلیمان حلمی (۱۸۸۸-۱۹۵۸)، از عالمان بزرگ اسلامی ترکیه و مفسر قرآن کریم.
۱۹. «تقریب مذاهب: راه‌کارها و ضرورت‌ها»، ترجمه داوود بهلولی (چاپ‌نشده).



## رابطه تمدن و معنویت از نگاه قرآن

محمدعلی محمدی\*

### اشاره

بررسی موضوع رابطه تمدن و معنویت از منظر قرآن کریم، از تحقیقات بایسته‌ای است که برای پی‌ریزی تمدن علوی و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن مهدوی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در این مقاله به دو پرسش پاسخ می‌دهیم: نخست اینکه آیا از منظر قرآن، دست‌یابی به تمدن، بدون توجه به معنویت امکان‌پذیر است؟ اگر پاسخ مثبت باشد، آیا چنین تمدنی پایدار، مطلوب و سودمند است؟ به نظر نگارنده، بدون توجه به معنویت نیز دست‌یابی به تمدن تک‌بعدی، امکان‌پذیر ولی ناپایدار و برای دنیا و آخرت مردمان ناشایسته است. تمدن بدون معنویت، نه تنها نمی‌تواند آدمی را رستگار کند بلکه گاه موجب دور شدن آدمی از سعادت دنیوی و اخروی می‌شود. در تمدنی که بر پایه معنویت بنا نشود، برخی از نمادهای تمدنی، همانند معماری، توسعه صنعتی، کشاورزی و ... قابل دست‌یابی است ولی تمدن جامع، تنها در سایه توجه به معنویت و با عنایت به عقاید حقه حاصل می‌شود. در این مقاله، برای اثبات نظریه یادشده به مهم‌ترین تمدن‌هایی که قرآن از آن سخن گفته و سرنوشت تمدن‌های مذکور اشاره خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تمدن، معنویت، قوم ثمود، تمدن مصر.

---

\* مربی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب.